



برنامه مصوب دومین کنفرانس

کارگرمزبگیر به سرمایه افزایش یا بدسرمایه داران امکان بیشتری بیابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند.

از این رو وجود یک ارتش عظیم از بیگاران سبب شده است که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق العاده افزایش یابد.

۶- بحرانهای اقتصادی که بر اثر تضاد ذاتی سرمایه داری به نحو اجتنابناپذیری بطور ادواری بروز می کنند و در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی بهطور مداوم و کم سابقه ای تشدید میشوند و طولانی ترمی گردند، این روندها یا زهم بیشتر شدتی بخشد، بحرانها و دوره های رکود، از یکسو خانه خرابی تولیدکنندگان خرد را تشدید می کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگرمزبگیر به سرمایه افزایش می یابد و با سرعت بیشتری منجر به و خامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگرمی گردند. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده و فقدان تائین اجتماعی به نحو روزافزونی بیشتر میشود و نا ابراری و شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق تر و وسیع تر می گردد.

۷- از این رو به نسبت اینکه تضادهای ذاتی سرمایه داری رشد میکنند و توسعه می یابند، بر تارضای و اعتراض کارگران افزوده میشود، قدرت و همبستگی آنها افزایش می یابد، مبارزه آنها با استثمار کارگران تشدید میشود و تلاش برای رها سازی از یوغ تحمل نا پذیر سرمایه بیشتر میشود. در عین حال روند توسعه سرمایه داری با تمرکز خشیدن به وسایل تولید و مبادله و اجتماعی کردن پروسه کار در موسسات سرمایه داری، بطور مداوم امکان مادی جایگزینی روابط تولید سوسیالیستی به جای روابط تولید سرمایه داری، به عبارتی دیگر شرایط مادی انقلاب اجتماعی را که هدف نهایی تمام فعالیت های کمونیست است، هر چه بیشتر فراهم میسازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و نیز تولید اجتماعی سازمان یافته و برنامه ریزی شده، به نا برابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات تالیان خوا هدبخشید و بدین ترتیب تمام بشریت مستعبد را آزاد خواهد کرد.

۹- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیکتاتور پرولتاریائی است که طبقه کارگران را در میسازد و مدام استثمار کارگران را در هم شکنند و موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد، از میان براند.

۱۰- رهائی طبقه کارگرتنها بدست خود طبقه کارگرمی است، چرا که تمام طبقات دیگر جامعه طیر غم اختلاف منافی که با خود دارند، همگامی خواهان حفظ شالوده های نظام سرمایه داری اند.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود می داند که تضاد ذاتی نا پذیر میان کارگران و سرمایه داران را فاش سازد. اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چرا رها پذیری موقعیت توده های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جامعه سرمایه داری، و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهائی آنان از یوغ سرمایه آشکار سازد.

- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) تمام اقشار توده های زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می کنند به صفوف خود فرا میخواند.

- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خود را موظف میداند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر به شناسایی رز طبقه تالی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهایی رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۲- سرمایه داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه داریست تبدیل شده است که در آن اتحادیه های انحصاری سرمایه داران، کارتلها و تراستها نقش تعیین کننده ای یافته اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که منافع منافع طبقه کارگر بطور خاص و از موضع طبقه کارگر منافع منافع عموم توده های زحمتکش ایران است، اهداف و مواضع خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام می دارد.

این برنامه که در حقیقت کفایت خواست کارگران ایران علیه نظام مبنی بر ستم و استثمار سرمایه داری و ستم حکومتی قطعی این نظام محسوب می شود، در عین حال، اعلان جنگ نهائی به تمام سرمایه داران و کلیه مرتجعینی است که منافع وضعیت فلاکتبار کنونی و نظام مبنی بر برتری کار مزدوری هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، به منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگرمیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمار شده و مستعبد ایران را به شکل واحدی متحد می نماید.



۱- توسعه مبادله بین المللی و تولید برای بازار جهانی، آنچنان مناسباً تنزیدیکی میان تمام ملتهای جهان بوجود آورده است که جنبش رهائی بخش کبیر پرولتاریا، بنا بر زیر می بایستی بین المللی شود و از مدت ها پیش نیز بین المللی شده است.

مابین ما با دامه دهندگان راه حزب کمونیست ایران که در سال ۱۳۹۹ تاسیس گردید و بیگانه سازمان طبقاتی انقلابی کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می نمایند و برای همان هدف نهائی مبارزه می کنیم که کمونیستهای سراسر جهانی.

این هدف نهائی بوسیله غنیمت جامعه سرمایه داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالائی مبنی بر روابط تولید سرمایه داری است و در آن مهمترین و اساسی ترین بخش وسایل تولید و مبادله به اقلیتی محدود تعلق دارد، در حالیکه اکثریت جمعیت مرکب از پرولترها و نیمه پرولترها بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند بطور مداوم یا ممتد و بنیروی کار خود را به سرمایه داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود در آمد طبقاتی ثروت مند را بوجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست، مسلط شد.

۳- این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسباً نتولید کالائی و نیز نیاز سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت، مناسباً نتولید کالائی را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد.

ایران که تا پیش از فرمهای اوائل دهه چهل به مثابه تولیدکننده محمول و احدیست در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه جانبه تر در نظام جهانی اقتصادی امپریالیستی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه داری در ایران، که با صدور روزافزون سرمایه های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به از میان بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که یا برای مقاصد در برابر موسسات بزرگ رانده اند، یا ناچاراً خرابتر میشوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می گردند، نقش دیگران در مرصه اقتصادی و اجتماعی محدود ترمی شوند و برای راهی موارده نحوه مشقتباری به سرمایه وابسته می گردند.

۵- پیشرفتهای تکنیکی که سرمایه داران را قادر میسازد به نحو فزاینده ای از کار زنان و کودکان در پروسه تولید و مبادله استفاده کنند و نیز قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار را عرضه آن عقب بماند، وابستگی

رفرمیستی یا سوسیال شوونیستی تکامل نیافته اند در جنبش کمونیستی جای دارند.

- یگانگ خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که مانافع پیگیر آن هستیم را کسیم - لنینیسم را یگانگ ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش عمرکنونی به عنوان عصر انقلابی تپیرولتری و نیز انقلاب قهری ، دیکتاتوری پرولتاریا وارد و گاه سوسیالیستی به مثابه متحدجهانی پرولتاریا ، با " اوروکومونیسیم " " ترسکینسم " " خروشچفیسیم " و تمامی انحرافات مصوبه های کنگره های ۲۵ و ۲۲ حزب کمونیست تا حد دجا هیرشوروی ، (نظیر گنا رسالمت آمیز به سوسیالیسم ، تز راه رشد غیرسرمایه نازی خروشچفی ، رقابت اقتصاددی به عنوان مهمترین قلمرو نبرد و آردوگاه دولت و حزب عموم خلق) و نیز مدافعین استراتژی " سه جهان " و احیای سرمایه داری ترشوروی ، مرزبندی قاطع ندارد .

- از اینرو خط مارکسیستی - لنینیستی ، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرولتری ما بر مبنای اتحاد دو همکار ی تا با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی ، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خطوط اپورتونیستی - رفرمیستی و سوسیال شوونیستی و با حفظ موضع مستقل ، با اتحاد دو مبارزه ایدئولوژیک با جریاناتی که به گرایش تا انحرافی رویزونیستی دچار شده اند ، مستوار می باشد .

* کمونیستهای کشورهای مختلف در راه اهداف فنیهای مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه داری در سراسر جهان معین شده است ، ناگزیر از اتخاذ نوظنا نفوری غیرمستثانه اند ، زیرا سرمایه داری در تمام کشورهای یکدرجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون ، سرمایه داری در محیط سیاسی واجتماعی گوناگونی توسعه می یابد .

در ایران جایی که سرمایه داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است ، به سبب سلطه امپریالیسم ، وابستگی اقتصادی و بقایای متعددد نظما تا قبل سرمایه داری که موانع عمده ای بر سر راه پیشرفت اقتصاددی و بسط کامل و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب میشوند ، مستقیم اقتصاددی و سیاسی که بر میلیونها تن از توده های مردم اعمال میشود و دیکتاتوری عریان و منان گسیخته ای که به مثابه جزء لاینفک روحنای سیاسی سرمایه داری وابسته ، توده وسیع مردم را در نا آگاهی و انقیادنگاه داشته است ، پرولتاریای ایران نمی تواند هدف نفوری خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد .

- بدین جهت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اقلیت) ، سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق را در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و یگانگ اجتماع آن (بورژوازی وابسته) قطع هرگونه وابستگی اقتصادی ، سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دمکراتیزه کردن جامعه را به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم و وظیفه نخست و فوری خود قرار می دهد .

* انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی سوسیالیستی محسوب می گردد .

- جمهوری دمکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده ها و تبلور اراده آنها محسوب می گردد ، یک دمکراسی توده ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده ها جایگزین بوروکراسی ارتش پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح خواهد شد .

- از اینرو در جمهوری دمکراتیک خلق :

۱- ارتش ، پلیس ، سپاه ، کمیته ها ، بسیج ، ژاندارمری و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای جایگزین آنها خواهد گردید .

۲- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت در صفحه ۱۳

- در این مرحله از تکامل سرمایه داری ، سرمایه بانگی با سرمایه صنعتی ادغام شده ، صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد وسیعی بخود گرفته ، جهان از نظراضی بین کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصاددی جهان بین تراستهای بین المللی آغاز شده است .

در این مرحله از تکامل سرمایه داری ، جنگهای امپریالیستی که با رزترین آنها جنگهای جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان ، کسب بازارهای جدید و انقیاد ملل کوچک و خلقهای عقب مانده اجتنابنا پذیر شده است ، امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا به مثابه سنگر اصلی ارتجاع جهانی و ژاندارم بین المللی برعهده گرفته است ، کسب سابقه تسلیحاتی امپریالیستهای جنگ طلب را رهبری میکند ، بلوکهای متجا و نظامی را تحکیم می بخشد ، دست به ماجراجویی نظامی میزند و خطر بروز یک جنگ هسته ای را تشدید می کند .

- امپریالیسم آمریکا اصلی ترین دشمن مشترک کلیه نیروهای نسی است که در راه استقلال ، دمکراسی و سوسیالیسم پیگامی کنند .

- سطح فوق العاده بالای تکامل سرمایه داری جهانی ، جایگزینی رقابت آزاد با سرمایه داری انحصاری ، افزایش هزینه های زندگی ، رشد میلیتاریسم و هزینه های ناشی از آن ، موانع بزرگی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصاددی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است ، فقر ، خانه خرابی و عدم اتمنا دبه آینده ، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرمایه داری را به عصر انقلابی تا سوسیالیستی پرولتاریائی تبدیل نموده است ، این عصر مدتهاست که آغاز شده و شکوه مندترین نمود آن انقلاب پیروز مند کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه ، انقلابات تشرق اروپا ، جنوب شرقی آسیا ، آمریکای لاتین و تشکیل یک آردوگاه از کشورهای سوسیالیستی در مقابل آردوگاه امپریالیسم است .

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریائی میتواند شیریترا از شر جنگها و تمام معاشی که امپریالیسم به بار آورده است ، رهاشی بخشد .

۱۳- فرارسیدن عصر انقلابی تپیرولتاریائی ، با مرآده نمودن همه جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی ، برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است . انجام این وظیفه ، مبارزه بی رحمانه علیه تمام اشکال اپورتونیسم را که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، رسالت تاریخی و هدف فنیهای آن محسوب می گردند و گسست قطعی از هرگونه اپورتونیسم را می طلبد ، از دیدگاه سازمان ما :

- خط اپورتونیستی - رفرمیستی که بانفهی نظری یا عملی انقلاب قهری و دیکتاتوری پرولتاریا ، مارکسیسم - لنینیسم را از جوهر انقلابی اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری نموده است ، نظیر اوروکومونیسیم ترکشورهای اروپائی و سوسیال - رفرمیستهای نظیر حزب توده و " اکثریت " در ایران .

- خط سوسیال - شوونیستی ، یعنی سوسیالیست در گفستار و شوونیست در کردار و نیز جریانات تر و تسکینست که عامل خرابکاری بورژوازی بین المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب میشوند ، بجلگی خائن به طبقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب میشوند .

- بعلاوه امروزه در جنبش کمونیستی جهانی احزاب سوسیالیستی نیز وجود دارند که گرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده اند ، اما ایمن انحرافات منجر به تسلط خط اپورتونیستی - رفرمیستی یا سوسیال - شوونیستی در این احزاب سوسیالیستی نشده است بلکه به گرایش تا انحرافی رویزونیستی راست (نظیر احزاب کمونیست شوروی ، آلمان دمکراتیک و چکسلواکی) و یا چپ (نظیر حزب کمونیست آلبانی) در غلطیده اند . از اینرو امکان تغییر و ملاحظه در آنها وجود دارد و ما می توانیم به یک جریانی اپورتونیستی -



برنامه مصوب دومین کنفرانس

مستقیم توده ها از طریق شورا ها که بحثا به آنها دهائی مقرر و مجریه هر دو عمل می کنند برقرار خواهد شد.

۳- سیستم انتصابی مقامات برخواهند افتاد و انتخاباتی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد گردید، صاحب مناصب آن حقوقی برابر با متوسط دستمزبیکارگرها هر دریا فت خواهد کرد.

۴- سیستم قضائی موجود منحل می گردد و دگا های خلق ایجاد خواهد شد.

* در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق باید مفا ذ زیر تضمین شود:

۱- حق حاکمیت توده ها - قدرت دولتی باید در اختیار توده ها باشد
انتخابی توده ها باشد که در هر زمان بوسیله انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.

۲- انتخابی بودن قضا و کلیه صاحب مناصب آن کشور و لشگری.
۳- تسلیح عمومی خلق و جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای با ارتش توده ای.

۴- کنگره سراسری شورا های نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار محنتکش شهر و روستا بحثا به عالی ترین ارگان حکومتی.

۵- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.

۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.
۷- آزادی مسافرت و اقامت و شغل.

۸- آزادی مکتوبات.
۹- لغو هر گونه تفتیش، شکنجه و جاسوسی.

۱۰- آزادی فکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمانهای سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، نظا هرات و اعتصاب.

۱۱- جنائی کامل دستگاه مذهب و دولت و مدارس از مذهب، مدارس باید مطلقا غیر مذهبی باشند.

۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تزیقاتی که علیه اقلیت های مذهبی اعمال میشود.

۱۳- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.

۱۴- لغو هر گونه تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

۱۵- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارش و تکفل اولاد.

۱۶- تضمین حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولتهای مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران.

- منافع طبقه کارگر و زحمتکشان ملل تحت استم ایران در این است که مشترکا یک دولت مقتدر تشکیل دهند، اما این اتحادانه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

۱۶- خودمختاری وسیع منطقه ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل می دهند.

۱۷- لغاء هر گونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.
۱۸- لغاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس، نهادهای دولتی و استفاده از آن در مراجع عمومی.

* ماهیچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می باشیم:

۱- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب و

ذهاب.

- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یکمیکار انقلابی به منظور ریشه کن کردن بی سوادی.

- برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.

۲- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاهها، بیمارستانها، گسترش شیرخوارگاهها، مهدکودکها، موسسات آموزشی، بهداشتی و پزشکی.
۳- تامین مسکن و تعدیل اجاره ها.

- به منظور گسترش ازبازرهبینه های کارگران و زحمتکشان ضروری است که بعنوان یک اقدام فوری بمنازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به نیروهای ضد انقلاب و نیز هتلها و ساختمانهای زائد دولتی به عنوان مسکن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار گیرد.

- ما دام که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است، اجاره ها باید متناسب با سطح دستمزب کارگران تعیین و به مرحله اجرا درآید.

۴- ایجاد دگا برای بیکاران، تضمین شغلی، بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانوانه ۵ نفره کارگری به بیکاران از سوی دولت.

۵- تامین امکانات زندگی برای سالمندان و کودکان بی سرپرست و ایجاد مراکز ویژه برای نگهداری آنان به هزینه دولت.

* به منظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی کارگران و زحمتکشان، ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم:

۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و نهادهای مذهبی.

۲- ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.
۳- ملی کردن شرکت های بیمه و تمرکز آنها در یک موسسه واحد.

۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ،
۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه ریزی شده کالاها از طریق تعاونی ها.

۶- تمرکز اجباری صاحبان صنایع و موسساتی که سرمایه آنها در مرحله کنونی انقلاب ملی نمی گردد، در اتحادیه ها و سندیکا های صاحبان صنایع.

۷- ایجاد و گسترش صنایع سنگین.
۸- لغاء اسرار بزرگانی به منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.

۹- کنترل شورا های کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانه ها و موسسات و نیز کنترل توده ای بر توزیع.

۱۰- لغاء کلیه قراردادهای اسارت با امپریالیستی و افشاء مفاد آنها برای آگاهی عموم خلق.

۱۱- لغو تمام مالیهات غیر مستقیم و برقراری مالیهات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.

* به منظور مصون داشتن طبقه کارگر از تهاجم جسمی و روحی توسط توان او در مبارزه برای رهایی سازمان چریکهای فدائین خلق ایران (اقلیت) مطالبات زیر را مطرح می نمایم:

۱- ۴۰ ساعت کار و دور روز تعطیل پی در پی در هفته، یکماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

۲- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران، معاینات، صنایع و دیگر بنگاه های که با شرایط دشوار و صراطه آمیز و برده استند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.

۳- احتساب اوقات ایاب و ذهاب، صرف غذا، سوادآموزی و حمام جزء ساعات کار.

زمینداران بزرگ موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در شوراها و اتحادیه های دهقانی.

۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان برای مصدرارضی، مانام که جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد.

۴- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهایی که به شیوه عالی کشت میشوند، بدون آنکه تقسیم گردند، باید تحت کنترل شورا های کارگران کشا و رزی قرار گیرند.

۵- متشکل کردن دهقانان خرده پا در تعاونی ها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشا و رزی به منظور صرفه جویی در کار و هزینه محصولات.

۶- لغو کلیه بدهی های دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی سرمایه داران، ملاکین و ربا خواران.

۷- پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بنر و غیره.

۸- ایجاد توسعه جاده ها، شبکه های آبیاری، آبرسانی و برق سراسری در روستاها.

۹- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

۱۰- ایجاد توسعه مراکز درمانی، بهداشتی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.

- بعلاوه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) وظیفه خود میداند که برای شکل طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند؛ تفاداشتی ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

*** در زمینه سیاست خارجی ما خواهان اجرای موارد زیر هستیم :**

۱- اتحاد با خلقها و جنبش های رهاشی بخش ملل تحت استعمار کشورهای سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری به مثابه جزء لاینفک آزادی یکجریان و اتحاد انقلابی - ضد امپریالیستی.

۲- برافتادن رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباهات، مذاکرات، تقدیرات و پیمانها با دول دیگر.

* سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) معتقد است که تحقق مطالبات حقوق الذکر تنها از طریق سرنوشتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

اعضاء، فعالین و هواداران!
برنامه سازمان را در میان توده های مردم تبلیغ و ترویج نمایند و در توزیع هر چه گسترده تر آن بکوشید

۴- ممنوعیت کامل اضافه کاری.
۵- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزدها بصورت جنسی و ممنوعیت قطعه کاری و کارکنتراتی.

۶- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلائل فنی یا رفاهی مطلقا ضروریست و مورد تایید تشکل های کارگری قرار گرفته باشد، آن هم حداکثر به مدت چهار ساعت.

۷- ممنوعیت استخدام کودکان در سنین تحصیل زیر ۱۸ سال.

۸- ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور باشد.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۱۰- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانا تا تیزشکی، درمانی و داروئی رایگان.

۱۱- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار.

۱۲- احتساب اوقات رسیدگی و سرزنش به نوزادان جزء ساعات کار.

۱۳- بهره مند شدن کارگران از حق اولاد.

۱۴- ممنوعیت کسر دستمزد بهانه جرمه، خسارت، غیبت و غیره.

۱۵- تعیین دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها و تأمین معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری.

۱۶- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها هر شش ماه یکبار.

۱۷- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما.

۱۸- برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حقوق تصمیم گیری در مورد اخراج و نظارت بر امر استخدام.

۱۹- بیمه کامل اجتماعی کارگران، بیمه بیکاری، سوانح، نقض عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و از کار افتادگی.

۲۰- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بنگاهها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

۲۱- احتساب ایام بیکاری جزء سابقه کار کارگران.

۲۲- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار، و در رشته هایی که با شرایط دشوار، مخاطره آمیز و زیان آور و پرخطر است حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه کار.

۲۳- تنظیم مقررات و آئین نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.

۲۴- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کاری.

۲۵- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده ۵ نفره کارگری به کارگران بیکار.

۲۶- تضمین حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری و حق اعتماد با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.

۲۷- تساوی حقوق کارگران کشا و رزی و مورخده مانی با کارگران حرفه ای.

* به منظوریایان بخشیدن به کلیه بقایای مناسبات فئودالی، بسط مبارزه طبقاتی در روستاها و افزایش سطح رفاه و زحمتکشان روستا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) خواهان اجرای برنامه ارضی زیر می باشد:

۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراتع، جنگلهای و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.

۲- ضبط فوری کلیه اراضی، املاک و بزارو وسائل تولید ملاکین و